

نقش عاشورا در شکل‌گیری اتحاد ملی

جعفر وفا
پژوهشگر

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِمْ لَعَلَّهُمْ يُرْجَعُونَ

و (خداوند) هدایت (و امامت) را در نسل او باقی گذاشت تا شاید مردم (به سوی آن) برگردند. والاترین مظهرها و جلوه‌گاهها که ارزش‌های متعالی، در آنها در همه اعصار تاریخ، تجلی یافته و خواهند یافت، چهار تجلی‌گاه سترگ‌اند یعنی «بعثت»، «غدیر»، «عاشورا» و «مهدویت». حاصل بعثت، قرآن کریم است، و حاصل غدیر، نهج‌البلاغه و حاصل عاشورا تداوم حیات قرآن و نهج‌البلاغه و دیگر آموزه‌ها و آثار پیشوایان معصوم علیهم السلام، و حاصل ظهور مهدی (عج)، گسترش عدالت در سراسر جهان. عاشورا نقطه اتصال «بعثت» و «غدیر»، به ظهور مهدی (عج) است، و امام حسین (ع) تجسم سترگ آدم (ع) است تا خاتم (ص) در تثبیت ارزش‌های الهی و الهی شدن زمین؛ و او است تکرار کننده نزول قرآن در صیانتی بزرگ و مفسر حُطْبِ فاطمیه و معلم حماسه و آزادی و اسوه زندگانی و سرمشق بزرگ در آفرینش وحدت عملی مسلمانان.^۱

اتحاد اسلامی در طلیعه عاشورا

اتحاد یعنی با تفکر و اندیشه واحد به سوی هدف معین حرکت کردن و با هم منسجم شدن و از پراکندگی پرہیز نمودن. ایجاد اتحاد از پیام‌های مهم و مستقیم عاشورا است که در

خطبه‌ها و سخنان کوتاه و بلند رهبر نهضت، به صراحت انعکاس یافته است؛ خطبه‌هایی که به مثابه اعلام رسمی برنامه قیام کربلا است. به جملاتی از آنها اشاره می‌کنیم:

* امام حسین (ع) در مراحل آغازین نهضت رسماً اعلام کرد:

«إِنِّي خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي»^۱

من برای طلب اصلاح در امور امت جدّ خود برخاسته‌ام.

چنین کسی به یقین به وحدت مسلمانان می‌اندیشد. مگر اصلاح جامعه جز از راه ایجاد اتحاد در بین آحاد و اقشار مختلف مردم میسر و ممکن است؟! تفرقه زدایی و ایجاد همبستگی بین ملت‌ها، از مبانی و اصول اولیة اصلاح جامعه بشری است.

امام (ع) در کلامی دیگر، اقدام خود را ادامه سیره پدر و جدّ خود معرفی می‌کند:

اليسر سيرة جدّي و ابي^۲

من در مسیر سیره عملی جدّم رسول خدا و پدرم علی مرتضی حرکت می‌کنم.

پیامبر اسلام، پیوسته مردم را از اختلاف و تفرقه و جدایی از یکدیگر، باز می‌داشت و

آنان را به امر خدا و اعتصام به حبل الله تأکید می‌ورزید:

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳)

و از طرفی پیوسته می‌فرمود: حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ.

یعنی همان گونه که رسول اعظم (ص)، اعتصام به حبل الله و اتحاد اسلامی را در طلیعة

رسالت و مأموریت الهی خود می‌دانست، حسین بن علی هم آن را در برنامه خود، قرار

می‌دهد و با جدّ خود هم آوا میشود.

سکوت ۲۵ ساله امیر مؤمنان (ع) نیز برای تحکیم پایه‌های وحدت و توسعه انسجام و

برادری مسلمانان و پیشگیری از اختلافات بود. جنگ‌های جمل و صفین و نهروان نیز به

منظور حفظ اسلام از نابودی و نیز بریدن دست تفرقه بود.

اتحاد ملی، متمم قیام حسینی

اسلام از جامعیت و کمال برخوردار است و به تبع آن، نهضت حسینی هم دارای کمال

جامعیت است و ایجاد اتحاد و همبستگی در میان مردم و مسلمانان، جزء برنامه‌های آن

است. و اگر عاشورا با پیام وحدت همراه نباشد قیام ناقص و ناتمام می‌شود. امام حسین (ع) کلیات اسلام را عملاً در کربلا به مرحله عمل درآورد و در نظر مردمان حاضر و آینده مجسم ساخت. چگونه ممکن است حسین بن علی (ع) به وحدت مسلمانان نیندیشد و حال آن که ملت اسلام خود را از او جدا نمی‌داند و عرق و خون و گوشت و استخوان خود را آمیخته به او می‌داند؟! اصولاً کربلا یک نمایشگاه دائمی است نمایشگاه وحدت، معرفت، ایثار و فداکاری چگونه ممکن است عاشورا عامل وحدت نباشد در حالی که عاشورا آفرین، در لسان وحی و در منظر قرآن کریم، مظهر بارز کلمه توحید و توحید کلمه و نقطه عطف و پیوند نسل‌های آینده به امامت و وارث راستین هدایت به مبدأ و معاد و محور ثابت برای هدایت و عبادت و عامل برگشت مردم از شرک به توحید و خداپرستی معرفی شده است:

«وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَُرْجَعُونَ» (زخرف: ۲۸)

و (خداوند) هدایت (و امامت) را در نسل او باقی گذاشت تا شاید مردم برگردند.

در این معنا، روایاتی است که آیه شریفه را بر تداوم امامت در نسل امام حسین (ع) تطبیق کرده‌اند و همین امامت است که به عنوان کلمه باقی و حقیقت ماندگار در نسل حضرت ابراهیم (ع) معرفی شده است.^۴

بی تردید اتحاد ملت و مردم با سلسله اصولی محقق می‌شود که شناخت دشمن اصلی و تمرکز قدرت بر نابودی آن و توجه دادن مردم به نقطه اصلی فساد و شناساندن دقیق لانه فساد آفرین از جمله آنهاست. حسین بن علی (ع) ایجاد اتحاد را به صورت زیربنایی شروع کرد. او با قیام خود، افکار عمومی را از توجه به دشمنان فرعی - که احیاناً دشمن اصلی برای رد گم کردن و انحراف افکار عمومی می‌سازند - به نقطه اصلی و دشمن کارآمد برگرداند و مردم را به فسادگری و شرارت خاندان بنی‌امیه توجه داد. زیرا او از پدرش امیر مؤمنان (ع) شنیده بود که می‌فرمود:

بزرگ‌ترین فتنه‌ای که برای شما می‌بینم، فتنه بنی‌امیه است. این فتنه، فتنه‌ای است کور و

گمراه‌کننده که آزارش فراگیر و ریشه‌دار است.^۵

مضاف بر آن، خود امام حسین (ع)، معاویه را در رأس تفرقه افکنان مکتبی می‌دانست و

در جواب نامه او به صراحت نوشت:

سبحان الله! گویا تو از این امت نیستی و امت هم از تو نیست!

من برای امت اسلامی، فتنه‌ای گران‌تر از حکمرانی تو بر آنان نمی‌بینم!^۶

وقتی که حسین بن علی (ع) معاویه را که متظاهر به اسلام بود، عامل اختلاف و بیگانه از اسلام و مسلمین می‌داند، قطعاً وجود و حضور یزید بن معاویه را که به صراحت منکر وحی و مبدأ و معاد است، تحمل نمی‌کند. از این رو بر خود وظیفه می‌داند که در این تاریکزار قیام کند و با خون خویش، سیاهی را بزدايد و راه روشنی برای پیروان خویش بگشاید و مسلمانان را در مسیر صحیح اسلام قرار دهد. اصولاً یکی از عوامل عمده قیام عاشورا، پیدایش جاهلیت نو و بازگشت به ارزشهای جاهلی و ظهور و تفرقه و اختلاف در جامعه نو بنیاد نبوی بود؛ چرا که امام حسین (ع) می‌شنید که در سقیفه بنی ساعده ندا می‌دهند که «مِنَّا أَمِيرٌ وَمِنْكُمْ أَمِيرٌ»^۷ یعنی از ما انصار یک زمامدار و از شما مهاجران نیز یک امیر و رئیس. مخالفان، با این شعار، جامعه واحد و یک دست و متحد را به دو قشر ما و شما تقسیم کردند و در پی آن تبعیض و طبقات اجتماعی پدید آمد و ملاک ارزش‌ها عوض شد و معنویت به غروب گرایید و طبل تفرقه در هر کوی و برزن، نواخته شد. همین جدایی از ارزش‌ها، به تدریج و رفته رفته، به جدایی مردم از اهل بیت (ع) انجامید و دستوراتی در حذف اهل بیت (ع) از جامعه و صحنه سیاست صادر گردید.

اتحاد شیعیان در پرتو عاشورا

حادثه عاشورا، با همه فجایع و ناگواری‌هایش پایان یافت و شهدا شهد شهادت نوشیدند. از آن پس عاشورا نقطه عطفی برای وحدت و همبستگی شیعیان گشت و نام حسین (ع) و حدیث کربلای او شعار اتحاد و همبستگی و سرود همگرایی و تشکل گردید و مظلومان بی‌پناه و مستضعفان بی‌نام و نشان را در خانه‌ها و حسینیه‌ها و مساجد به تشکل فرا خواند و در محرم‌های مکر و کینه مقدس مبارزه با ظلم و انتقاد از ظالم را در دل ستم‌دیدگان، ریشه دارتر نمود و عواطف بشری را در تقویت مبانی اعتقادی و عقلانی به هم پیوند داد و پس از سه قرن - و در ۳۵۲ هجری قمری - بازار بغداد را به تعطیلی کشاند و هیئت‌های عزاداری را به یک راهپیمایی آرام جهت نمایش قدرت این تشکل الهی دعوت کرد و از آن پس شیعه با

یاد و نام عاشورا، جاودانه شد و روز به روز هماهنگ با خاطره عاشورا و محرم زمین و زمان را در نور دید.^۸

استاد حسن ابراهیم حسن نویسنده «تاریخ الاسلام» می نویسد:
کشته شدن امام حسین(ع) در تهییج شیعیان و وحدت بخشیدن به آنها تأثیر بسیاری داشت. قبل از این رخداد، شیعیان پراکنده بودند. زیرا شیعه گری یک نظریه سیاسی بود که در دل پیروان خود نفوذ نکرده بود و هنگامی که حسین کشته شد، شیعه گری با خون آمیخته گشت و در اعماق قلوب شیعیان نفوذ کرد و عقیده راسخ آنان گردید.^۹

خربوطلی، دانشمند بزرگ اسلام و نیکلسن (فوت: ۱۸۱۵ م) نیز بر همین اعتقادند.^{۱۰}
نه تنها مسلمانان و شیعیان که حتی بیگانگان و دگراندیشان نیز از عاشورا درس وحدت می گیرند و آرزو دارند که از برکات و آثار آن برخوردار شوند.
مارتین آلمانی می نویسد:

ما در میان ملل و اقوام، مردمی مانند شیعه، پر شور و زنده ندیده ایم؛ زیرا شیعیان به واسطه به پا کردن عزاداری حسین(ع) سیاست‌های عاقلانه‌ای را انجام داده و نهضت‌های مذهبی ثمربخش را به وجود آورده‌اند... ما اگر خود را با پیروان و مبلغان آن قیاس کنیم خواهیم دید که مسیحیت به اندازه یک دهم شیعه پیشرفت نکرده است! من معتقدم که رمز بقا و پیشرفت اسلام و تکامل مسلمانان شهید شدن حسین(ع) و آن رویدادهای غم‌انگیز است.^{۱۱}

به یاد سپردنی است که وحدت آفرینی عاشورا محدود به حرکت‌های حماسی و اندیشه‌های سیاسی و استبدادزدایی نیست بلکه ابعاد گسترده‌ای دارد که از جمله آنهاست:

الف - ایجاد فضای مناسب برای شکوفایی استعدادها.

ب - رشد و تعالی فرهنگ اجتماعی.

ج - تعدیل گرایش‌های متفاوت جوامع دینی.

در این زمینه، هیأت حسینی در مناطق شهری و روستایی و کوی و برزن و بازار، با مراسمی که برپا می‌کنند، بیشترین تأثیر فرهنگی را بر محیط و فضای منطقه گذاشته و با طرح شعائر و شعارهای نو به روند فکری و فرهنگی مردم سمت و سو می‌دهند.

مظاهری از وحدت عاشورایی

فرهنگ عاشورا برای عالم اسلام، یک سوژه بزرگ اجتماعی و تجدید حیات است. عاشورا پایگاه اتحاد آفرین و نام حسین (ع) همراه با جذبه خاص الهی پیوسته تجلی می‌کند و مردم در همه اعصار و امصار و در هر سال و محرم به نام آن بزرگ مصلح شهید جمع می‌شوند و محافل و مراسم باشکوهی تشکیل می‌دهند. آنان به رغم بافت متفاوت همگی به یک سو چشم دوخته و با یک هدف در حرکتند به رغم سن‌ها و هویت‌های متفاوت و جایگاه‌های اجتماعی و موقعیت‌های مختلف علمی سیاسی مردان و زنان، کودکان و نوجوانان و همه اقشار شرکت می‌جویند و با هم متحد، هم آوا و هم سویند و رو به یک قبله دارند و فرمان بردار یک امام‌اند. و همگی در صدد احیای عاشورا و حماسه حسینی هستند.

در این میان شیعیان برپای عزاداری، شیوه‌هایی را بر می‌گزینند، شیوه‌هایی که خود اهل بیت (ع) بر اساس آنها عمل می‌کردند. آنان از قدیم الایام با کمترین وسیله و ساده‌ترین راه برای انتقال فرهنگ عاشورا به نسل‌های آینده اقدام می‌کردند و به شیعیان توصیه می‌کردند که این روند تداوم یابد و نسل‌های آینده بر این مظاهر وحدت عاشورا تکیه کنند. از جمله آنهاست:

- زیارت سیدالشهداء، گریه بر مظلوم کربلا و سوگواری و عزاداری

۱. زیارت سیدالشهداء: زیارت دیدار کردن است نه دیدن، نگاه کردن و نظر انداختن. زیارت امام حسین (ع) در کربلا از دستورات مؤکد پیشوایان دینی ما است که رفته رفته به یک فرهنگ ثابت و بنیادین در آمد.

به زیارت سیدالشهدا رفتن یعنی به دیدار او شتافتن پای خطابه‌های عاشورایی او نشستن، از او روحیه گرفتن و با تمام وجود به حضرش پیوستن. زیارت کربلا بدین معنا از دیر زمان یکی از عوامل عمده وحدت میان شیعیان گشت.

زیرا زیارت سیدالشهدا (ع) افزون بر اعلان صداقت زائر در دوستی، وفاداری و تجدید عهد و پیمان با او و سبب گسترش فرهنگ توحیدی ولایت‌خاندان رسالت در شهرها و مسیرهای منتهی به کربلاست به ویژه که این زیارت اگر به صورت کراوانی و دسته جمعی، انجام پذیرد. دل صدها بیننده را با خود همراه می‌کند.

گویا با یک نیروی مغناطیسی مشتاقان و شیفتگان شهید کربلا را به یک نقطه پیوند می‌دهد و آنها را همدل و هم‌آوا می‌کند.

ثانیاً در پرتو زیارت کربلا، ملت‌ها و ملیت‌های مختلف جهان اسلام و تشیع با هم از نزدیک ارتباط برقرار می‌کنند و از مشکلات، مسائل و امکانات یکدیگر آگاهی می‌یابند. چرا که حرم حسین و حرم دیگر امامان معصوم (ع) کعبه‌آمال مسلمانان و شیعیان و مرکز مهم برای تجدید عهد و پیمان و مبدأ قیام‌ها و نهضت‌های رهایی بخش بوده و هست.

حرم شریف سالار شهیدان، در طول تاریخ، مرکز مهم علم و تبلیغ و ترویج مذهب و آموزه‌های دینی بوده است. و پیروان حضرتش با حضور در این حریم مقدس در کنار مأذبه و خوان پر نعمت معنوی نشسته و جان تازه‌ای می‌گیرند گویا به محضر خود امام حسین (ع) مشرف شده‌اند زیرا حیات و مرگ در امام معصوم (ع) یکسان است.

از این رو، لازم است که زائر به گونه‌ای در حرم شریف آن حضرت حضور یابد که اگر زنده می‌بود در محضرش حضور پیدا می‌کرد و زیارت در دوران مرگ باید همان آثار و سازندگی زیارت دوران حیات را برای او داشته باشد. زیارت حسین بن علی (ع) و دیگر شهدای عاشورا با این ویژگی عامل وحدت می‌شود و عاشقان و محبان این خاندان را به هم پیوند می‌زند و نشان می‌دهد که شیعیان شعاع بی شماری هستند از آن خورشید عالم تاب.^{۱۲}

۲. گریه بر مظلوم کربلا: گریه علاوه بر زبان احساس و عاطفه، زبان دیده و عقیده نیز هست. گریه بر حسین شهید در بُعد سیاسی، بسیار ارزشمند و عامل تحولات بزرگ اجتماعی و زمینه‌ساز روحیه قوی و دلآوری است. امام امت فرمودند:

«ما ملت گریه سیاسی هستیم، ما ملتی هستیم که با همین اشکها، سیل جریان می‌دهیم و سدهایی را که در مقابل اسلام است می‌شکنیم.»^{۱۳}

گریه شور و شعورمند، همبستگی عملی علیه تجاوز و ستم است که وقتی هماهنگ و به صورت جمعی انجام گیرد، حاکی از پیدایش روح یگانگی در جمع و یکنواخت بودن است. از این رو است که ائمه (ع) بر گریه بر سیدالشهدا ارج و ارزش فوق العاده‌ای قائل بودند و پیوسته بر مظلومیت او و یاران باوفایش می‌گریستند و شیعیان و نسل‌های آینده را نیز به گریه بر حسین ترغیب می‌کردند. در این باره روایات زیادی از آنان صادر شده است:

امام صادق(ع) می‌فرماید:

هر کس دربارهٔ حسین(ع) بیت شعری بخواند، خود بگرید و ده تن را نیز به گریه درآورد، پاداش همهٔ آنها بهشت است.^{۱۴}

هدف از این گریه تنها گرامی داشت مقام امام حسین(ع) و شهدای کربلا نیست آنها از گریه و روضه ما بی‌نیازند، انگیزهٔ تشکیل مرثیه سرایی و مجالس گریه و زاری، اعلان مظلومیت مستمر امام حسین(ع) و منطق شیعه است.

امام خمینی قدس سره در این باره می‌گوید:

انگیزهٔ این گریه و اجتماع، نه فقط این است که ما برای سیدالشهداء گریه می‌کنیم، نه سیدالشهداء احتیاج به گریه ما دارد و نه این گریه فی‌نفسه «منشأ اثر است» و کاری از آن بر می‌آید. بلکه بخاطر آن است که این مجالس، مردم را مجتمع می‌کنند و یک وجه [و عزت و آبرو] می‌دهد.^{۱۵}

با نظر به راز سیاسی این گریه‌ها است که برخی از ائمه(ع) نمی‌فرمودند:

برای من در منبرها روضه بخوانند بلکه وصیت می‌کردند که در مرکزی همچون «منا» گریه کنند، این مسألهٔ سیاسی است. زیرا که ائمه ما با همان دید الهی که داشتند می‌خواستند این ملت‌ها را بسیج و یکپارچه کنند.^{۱۶}

۳. عزاداری جمعی در قالب هیأت‌های سینه زنی و زنجیرزنی: انسجام و اتحاد دو رکن اساسی دارد: یکی وحدت در اندیشه یعنی به یک نقطه چشم دوختن و از یک مرکز نیرو گرفتن، و دیگری وحدت در هدف، یعنی به سوی یک مقصد حرکت کردن و یک هدف را دنبال نمودن. مردم در عزاداری‌های خود به این دو رکن وحدت، تجسم می‌بخشند به نام و یاد حسین حرکت می‌کنند و از ظلم و ستم و ستمگر اعلان تنفر می‌کنند. سینه‌زدن، دسته‌های عزاداری تشکیل دادن و در کوی و برزن و بازار فریاد زدن و نوحه سرایی کردن و مظلومیت حسین بن علی(ع) را به نمایش گذاشتن، در حقیقت به صورت یکنواخت، آرمان و اهداف بلند حسینی را تکرار کردن و با شهدای کربلا، هم‌آوا شدن است.

اجتماع عزاداران و حرکت منظم و هماهنگ، آنان، دریایی از عشق و شور و معنویت شکل می‌دهد و این دریای موج به نام حسین(ع) علیه ظلم و به سود مظلوم، به جوش و

خروش در می‌آید و موج عظیمی از احساس و اکرام و قداست و اعجاب در مردم ایجاد می‌کنند و بدینسان اقشار مختلف مردم بدون اجبار و اکراه و بدون فشار و عوامل و حتی بدون دعوت و هماهنگی قبلی، به صورت منسجم و متحد و با چهره‌برافروخته و باغباری از حزن و اندوه درونی، به سوگواری و عزاداری می‌پردازند، در حدی که گویا یک ندای غیبی با پیام و نیروی خاص و نامرئی، همه آنان را به یک کلاس و درس فرا خوانده است. «این هماهنگی که در تمام ملت در قصه کربلا هست، بزرگ‌ترین امر سیاسی است. همین مساجد و همین روضه‌های هفتگی همین‌ها توجه و هماهنگی آنها را ایجاد می‌کند.»^{۱۷}

اتحاد عاشورایی و عکس‌العمل مخالفان

از دیگر مظاهر اتحاد عاشورایی، عکس‌العمل ستم‌پیشگان در برابر عزاداری و سوگواری ابا عبدالله است. چرا که دشمنان دینی و مخالفان خط عاشورا به خوبی دریافته‌اند که عاشورا وحدت‌آفرین و سد استوار در مسیر مطامع آنان است. مسلمانان با احیای مراسم حسینی و شرکت در دستجات عزاداری و مجالس و عظ و خطابه، روحیه می‌گیرند و فکر و فرهنگ دینی خود را پاس می‌دارند و مانع از نفوذ سرکشان و مهاجمان فرهنگی می‌گردند و رفته رفته علیه زورمداران و حاکمان فاسد بسیج می‌شوند.

حکومت‌های باطل و فاسد با درک این سرّ غیبی قدرت معنوی، پیش از اقدام به نقشه‌های شیطانی، فرهنگ عاشورا را تضعیف کرده، و میان عاشورا و عاشورائیان فاصله ایجاد می‌کنند تا آنها از حماسه عاشورا و مراسم حسینی، روحیه انسجام نگیرند و علیه ظلم و ظالمان زمان برنخیزند.

هر چند مخالفت با تشکّل حسینی و برچیدن عاشورا و مراسم سوگواری همواره در دستور کار زورمداران بوده و با این سیاست شیطانی پیش می‌تاختند ولی تاکنون تلاش‌هایشان ناکام بمانده و هیچ وقت نتوانستند چراغ این فرهنگ شیعه را خاموش و عاشورای حسینی را برچینند. حتی حکومت مادی و کمونیستی برغم فشار و اختناق شدید نتوانستند شیعیان را از حسین و عاشورا جدا کنند. شیعیان شبانه و دور از نگاه و نظر مأموران و جاسوسان در خانه‌های تاریک به سوگواری می‌پرداختند و شعار حسین حسین سر می‌دادند و او را به

فریادرسی خود می خواندند و چه بسا در سایه همین عوامل، متحد شدند و دل‌هایشان به هم پیوست و خواسته‌هایشان مقبول خدا گشت و ید عیسی از آستین حسین برآمد و بر سینه نامحرم زد و پس از مدتی با پیدایش تحولات سیاسی، به استقلال رسیدند و به آغوش عاشورا برگشتند.

عاشورا سرآغاز نهضتها

وقوع قیام‌ها و حرکت‌های سیاسی - مذهبی در شهرهای اسلامی از مظاهر بارز نقش آفرینی عاشورا در اتحاد ملت‌هاست.

از سال ۶۳ ق در مدینه و مکه، کوفه و بصره و در سال ۶۵ نهضت توأبین و قیام مختار ثقفی در سرزمین عراق برای انتقام از قاتلان حسین و شهیدان کربلا تداوم یافت. پس از آنها، زید بن علی، یحیی بن زید و حسین بن علی معروف به شهید «فخ» یکی پس از دیگری همراه محبان اهل بیت (ع) و عاشقان حسین (ع) به مصاف دشمن رفتند و حماسه آفریدند و در احیای عاشورا گام‌های بلند و مؤثر برداشتند. این روند مقدس به عصر و نسل ائمه (علیهم السلام) محدود نگشت بلکه عاشورا نقطه عطفی شد برای پیوند قلبی و روحی شیعیان به یکدیگر در همه آفاق و اکناف عالم در حدی که امروز از نزدیک و عیان شاهدیم که جهان اسلام این واقعیت را دریافته است که بسیاری از حرکت‌های ضد استکباری و استبدادی که در میان ملت‌های مختلف، به ویژه ایران و لبنان و مناطق شیعی و شیعه مشرب، رخ نموده، دقیقاً متأثر از عاشورا و آرمان‌های کربلاست. این حقیقت را حتی حاکمان و سران نظام‌های باطل و فاسد دریافته‌اند و یقین کرده‌اند که واقعه بزرگ عاشورا سد محکمی در مقابل ستم پیشه‌گان تاریخ، ایجاد کرده و مردم را به اتحاد و یگانگی و قیام جمعی و متحدانه، علیه ظلم و استکبار فرامی‌خواند و تاریخ تشیع مملو از نمونه‌های برجسته و عینی در این باره است.

و این اثر محصور یک عصر و نسل نیست بلکه در اعصار مختلف و شرایط گوناگون تکرار شده و مبدأ خیرات و برکات فراوان سیاسی و اجتماعی شده است. برای نمونه ملت مسلمان ایران در مقاطع مختلف شاهد این حضور عاشورا بوده است از جمله: دولت آل بویه و قیام سرداران در سبزوار.

پطروفسکی محقق معروف روسی وقتی درباره قیام سبز و ایرانیان سخن می‌گوید، درباره نقش عاشورا در ترغیب و تشجیع آنان و همه شیعیان در طول تاریخ می‌نویسد:
جهان تشیع با دو اهرم قوی، تقویت می‌شود و تا زمانی که از آنها کمک می‌گیرد شکست نمی‌پذیرند: یکی عاشورا و دیگری انتظار و اعتقاد به مهدی موعود است. اولی از بیرون تقویت می‌کند و دومی آنها را از درون به حرکت وامی‌دارد.^{۱۸}

عاشورا، رمز وحدت ایرانیان در قرن اخیر

الف. مشروطیت:

در عصر مشروطه مردم مسلمان ایران، با تأسی به سرور و سالار شهیدان (ع) به رهبری علمای بزرگ علیه استبداد قاجار به مبارزه برخاستند و توانستند رژیم قاجار را مجبور به پذیرش مشروطیت نمایند.

ب. در عصر پهلوی اول:

تأثیر شگرف عزاداری بر خامس آل عباس (ع)، در جلوگیری از غرب‌گرایی و سقوط ایران به دامان غرب استعمارگر، باعث شد که ممنوعیت و نابودی عزاداری در دستور کار رژیم ضدّ دینی پهلوی قرار گیرد که با خشونت زایدالوصف به جنگ ایران و اسلام آمده بود. تاریخ نگاران سیاسی در این باره می‌نویسند:

محرم سال ۱۳۲۳ ق. / ۱۲۸۱ ش. به دلیل ناآرامی‌هایی که منجر به نهضت مشروطیت شد ویژگی خاصی دارد. فرا رسیدن ماه محرم و برپایی مجالس عزاداری فرصت خوبی برای افشای نفوذ خارجی‌ان در ارکان کشور بود. همچنین در محرم سال بعد علما در حضرت عبدالعظیم (ع) تحصن نموده، از شاه خواستار برقراری حکومت قانون بودند که مورد موافقت شاه قرار گرفت. تحصن علمای گیلان نیز در پنجم محرم همین سال، با پذیرش شرایط آنها توسط حاکم گیلان، خاتمه یافت در این سال به دستور شاه مراسم تعزیه خوانی در تکیه دولت منعقد شد. عین الدوله نیز در دهه اول محرم، مراسم روضه‌خوانی داشت.^{۱۹}

عصر رضاخان

در سال ۱۳۱۶ ش رضاخان پهلوی به منظور اجرای فرامین استعمارگران، عزاداری را ممنوع کرده بود. مردم مسلمان ایران برغم استبداد پهلوی در بدترین شرایط، در داخل

سرداب‌ها و زیرزمین‌ها تا نیمه‌های شب و سحرگاهان برای سرور شهیدان(ع) اقامه عزا می‌کردند. در خاطرات مربوط به آیت الله شاه آبادی آمده است که ایشان در سال‌های ممنوعیت عزاداری، در روز تاسوعا و عاشورا در مسجد جامع بازار (تهران) مراسم زیارت عاشورا برپا کرد.

دولتمردان رضا شاهی به یقین دریافتند که نمی‌توان مردم را از عاشورا و حسین مظلوم جدا کرد.

علاقه به امام حسین(ع)، و عزاداری برای او، ریسمان محکمی بود که دل‌های همه ایرانیان را به هم پیوند زده بود.

ج. عاشورا و وحدت مردم در عصر پهلوی دوم

مصدق کامل و نمونه بارز وحدت ملی را در روز عاشورای سال ۵۷ می‌توان به تماشا نشست. نقش وحدت آفرین قیام حسینی در دو روز تاسوعا و عاشورای همان سال به نمایش درآمد. دوست و دشمن به عیان دیدند و با تمام وجود دریافتند که آن روز قطره‌ها دریا و مردم سراسر ایران یکدست و یکنواخت شدند و طومار پهلوی را برای همیشه برچیدند.

د. عاشورای وحدت بخش در زمان پس از انقلاب

انقلاب اسلامی ایران با نام امام حسین(ع) و بالگوگیری از قیام محرم سال ۶۱ هجری شکل گرفت و پیروز شد. سپس با نام امام حسین(ع) مردم به مقابله با دشمن و بلکه دشمنان خارجی که کشور اسلامی را مورد هجوم قرار داده بودند، رفتند و متجاوزان را به خاک سیاه نشانند. امروز هم رشته محبت به امام حسین و یاران باوفایش، دل‌های همه شیعیان، بلکه مسلمانان ایران و فراتر از آن، همه ایرانیان را به هم پیوند زده و این پیوند در برگزاری مراسم عزاداری در ماه محرم هر سال، آشکار و هویدا می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت امروزه نیز یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل اتحاد بخش ملت بزرگ و فهیم ایران، عاشورا و عشق به امام حسین(ع) است.

نظر به نقش حیاتی عاشورا در همبستگی مردم مسلمان و امت اسلامی است که ائمه‌علیهم‌السلام در احیای عاشورا اصرار می‌ورزیدند و دستور می‌دادند که عزای امام حسین(ع) همیشه اقامه شود. در پرتو این توصیه و دستورات مؤکد ایشان است که امروزه عاشورا به صورت یک مکتب و فکر و فرهنگ و ایده و عقیده تجلی می‌کند و متجلی خواهد ماند.

پی‌نوشتها:

۱. قیام جاودانه، محمد رضا حکیمی، ص ۸۱، دفتر نشر فرهنگ، سال ۷۳.
۲. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.
۳. مقتل العوالم، ص ۵۴، مقتل الحسين (ع) المرقوم، ص ۱۵۶.
۴. ر.ک: ترجمه المیزان، ج ۱۸، ص ۱۵۷.
۵. فتنه گری امویان از زبان علی، ص ۵۷.
۶. الغدير، علامه امینی، ج ۱۰، ص ۱۶۰-۱۶۱.
۷. الملل والنحل، شهرستانی، ص ۲۴.
۸. ر.ک: حکومت اسلامی، شماره ۲۷، ص ۱۸۱.
۹. تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۳۹۹.
۱۰. پیامدهای عاشورا، جواد محدثی، ص ۲۶ و ۳۸.
۱۱. همان.
۱۲. برگرفته از «ادب فنای مقربان» آیت الله جوادی آملی، ج اول، ص ۲۵-۲۶.
۱۳. عاشوراشناسی، ص ۴۰۹.
۱۴. کامل الزیارات، ابن قولویه، با پاورقی علامه امینی، ص ۱۰۶.
۱۵. مجله حکومت اسلامی، شماره ۲۷، سال ۸۲، ص ۱۸۰.
۱۶. همان.
۱۷. عاشوراشناسی، ص ۸۴ به نقل از صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۷۱.
۱۸. ر.ک: جنبش سربداران، (نقل به معنی)، ص ۱۲۲.
۱۹. فصلنامه «اندیشه سبز»، شماره ۵ و ۶، ص ۱۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی